



بررسی ارتباط بین دین داری و آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس
منصوره دسترنج، فوژان امیری^۲

۴۰

دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۴۰
بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲-۰۲-۰۲

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴-۱۱-۲۷

مصص: ۷۰-۵۳

شابا چاپی: ۵۶۳۷-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

علی‌رغم اهمیت روزافزون حقوق شهروندی در جوامع معاصر، نقش دین داری به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در شکل‌دهی به آگاهی از این حقوق کمتر مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین دین داری و آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس می‌پردازد. این تحقیق با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفت. روایی پرسشنامه از طریق اعتبار صوری و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ (آگاهی از حقوق شهروندی: ۰/۸۸۰؛ دین‌داری: ۰/۹۰۶) تأیید شد. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس می‌باشد. حجم نمونه با فرمول کوکران ۳۰۷ نفر تعیین و به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌ها در نیمسال اول ۱۴۰۱-۱۴۰۲ جمع‌آوری شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها به وسیله نرم افزار آماری **spss** تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که سطح دین داری ۱۶/۳ درصد از افراد نمونه بالا، ۶۸/۷ درصد متوسط و ۱۵ درصد افراد سطح دین داری شان ضعیف بوده است. بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی نیز نشان داد که ۱۲/۱ درصد از دانشجویان آگاهی کم، ۷۷/۵ درصد آگاهی متوسط و ۱۰/۴ درصد آگاهی بالایی داشتند. تحلیل دو متغیره نشان داد ابعاد اعتقادی و عاطفی دین داری با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنادار دارند، در حالی که ابعاد پیامدی و مناسکی چنین رابطه‌ای نشان ندادند. از میان ابعاد حقوق شهروندی، تنها بعد فرهنگی با دین داری رابطه معنادار داشت.

کلیدواژه‌ها:

دین داری، آگاهی، حقوق شهروندی، دانشجویان، دانشگاه پیام نور، بندرعباس، حقوق بشر.

۱. کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، تهران، ایران(نویسنده مسئول). md.dastranj@pnu.ac.ir

۲. استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسأله

شهروندی یکی از مفاهیم بنیادین جوامع مدرن است که بر برابری، عدالت و مشارکت فعال اجتماعی تأکید دارد. تحقق شهروندی زمانی ممکن می‌شود که همه‌ی افراد جامعه از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار بوده و به فرصت‌های اقتصادی دسترسی داشته باشند. شناخت این حقوق و تکالیف متقابل، نقشی کلیدی در ارتقای کیفیت شهروندی و ایجاد جامعه‌ای منسجم مبتنی بر نظم و عدالت ایفا می‌کند (وثوقی و حضرتی، ۱۳۹۱: ۱۴۲).

در دهه‌های اخیر، آگاهی از حقوق شهروندی به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی-اجتماعی تبدیل شده است. شهروندی پدیده‌ای است که همراه با دولت مدرن ظاهر شده و شامل یکسری حقوق اجتماعی، سیاسی، مدنی و فرهنگی است (فتحی و مطلق، ۱۳۹۵: ۶۲). بدون آگاهی کافی از این ابعاد (مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی)، افراد نه‌تنها توانایی مشارکت فعال در امور عمومی را ندارند، بلکه قدرت انتقال خواسته‌های خود به حاکمیت را نیز از دست می‌دهند.

حقوق شهروندی امروزه به‌طور گسترده در کانون توجه فیلسوفان سیاسی، حقوقدانان و جامعه‌شناسان قرار دارد. این مفهوم بر روابط دولت و شهروندان نظارت می‌کند؛ از یک‌سو به امتیازات دولت و حقوق افراد اشاره دارد و از سوی دیگر بر بسترهای تاریخی و اجتماعی رفتار کنشگران تأکید می‌کند. آگاهی از حقوق شهروندی سبب می‌شود مشارکت افراد در امور شهری از پایداری، تداوم و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار شود؛ در غیر این صورت، بی‌تفاوتی نسبت به هنجارهای اجتماعی پدید می‌آید (ذوالفقاری و عشایری، ۱۴۰۱: ۲۷۹). بنابراین در جوامعی که افراد از حقوق و تکالیف خود آگاه‌اند، حریم متقابل حفظ شده و مشروعیت نظام اجتماعی تقویت می‌شود.

در این میان، دانشجویان به‌عنوان قشر ممتاز و گروه مرجع، نقشی محوری در شکل‌دهی به آگاهی عمومی و جریان‌سازی در افکار عمومی دارند. نگرش‌ها و رفتارهای دانشجویان معمولاً الگویی برای سایر اقشار جامعه عمل می‌کند. از این رو، بررسی آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از سوی دیگر، دین به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، همواره در شکل‌دهی به ارزش‌ها، باورها و رفتارهای اجتماعی نقشی تعیین‌کننده داشته است. اگرچه مدرنیزاسیون دین را به حاشیه رانده، واقعیت‌های اجتماعی معاصر نشان می‌دهد که دین‌داری در اشکال متنوع همچنان حضور دارد و بر سیاست‌گذاری‌ها تأثیر می‌گذارد. مطالعه‌ی دین‌داری یکی از محورهای اصلی تحقیقات میدانی در جامعه‌شناسی معاصر است (شجاعی‌زند، ۱۴۰۴: ۱۵۸). دین در ایران و بسیاری از جوامع دیگر، یکی از ارکان اساسی حیات اجتماعی محسوب می‌شود (بابایی و صالحی، ۱۴۰۴: ۸). دین به‌مثابه «راه زندگی»، سنگ بنای سامان اجتماعی و منبع ارزش‌هاست و بر گزینش‌های فردی و زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد و نیز تجلی‌گاه روح جمعی و عامل همبستگی اجتماعی است (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۲).



دانشجویان به‌عنوان قشری که هم متأثر از فرهنگ دینی جامعه هستند و هم در معرض تغییرات ارزشی ناشی از دنیای مدرن قرار دارند، گروه مرجعی مناسب برای بررسی تعامل دین‌داری و آگاهی از حقوق شهروندی به‌شمار می‌روند. امروزه دین‌داری به‌ویژه در میان جوانان با چالش‌هایی روبه‌روست؛ مشارکت کمتر در مناسک دینی و کاهش رغبت به فراگیری آموزه‌های دینی، از جمله نشانه‌های این تحول است. از آنجا که جوانان اصلی‌ترین گروه در ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های جدید زندگی در جوامع مدرن هستند، شناخت درک آنان از دین‌داری اهمیتی راهبردی دارد.

با توجه به مطالب فوق، شناخت وضعیت دین‌داری دانشجویان و رابطه‌ی آن با میزان آگاهی از حقوق شهروندی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی بین دین‌داری و آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه پیام‌نور بندرعباس طراحی شده است. این مطالعه در صدد پاسخگویی به سه سؤال اصلی است: وضعیت دین‌داری دانشجویان چگونه است؟ میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی در چه سطحی قرار دارد؟ و چه رابطه‌ای بین دین‌داری و آگاهی از حقوق شهروندی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

شیرعلیزاده و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به "بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین دینداری با آشنایی به حقوق شهروندی" پرداخته‌اند. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال بودند که ۲۴۲۷ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری آن طبقه‌ای تصادفی ساده متناسب با حجم است که از میان جامعه آماری تعداد ۳۳۱ نفر از دانشجویان انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که آشنایی از حقوق شهروندی با ابعاد دینداری (بعد اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی) رابطه معنی‌داری دارد.

میرفردی و ولی‌نژاد (۱۳۹۵) در تحقیقی به مطالعه نقش تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد دین‌داری دانشجویان دانشگاه یا سوج پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده تفاوت معناداری در ابعاد دین‌داری زنان و مردان وجود دارد و دین‌داری زنان دانشجویان از مردان بالاتر است.

بهرامی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به "تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش‌آموزان شهرستان پلدختر" پرداخته‌اند. روش پژوهش از نوع پیمایشی-توصیفی و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. تعداد نمونه تحقیق ۲۵۷ نفر از بین ۷۸۰ دانش‌آموزان ناحیه پلدختر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد در میان ابعاد مختلف حقوق شهروندی، بعد اجتماعی بیشترین و بعد سیاسی حقوق شهروندی کمترین میزان آگاهی از حقوق شهروندی را داشته‌اند. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که بین جنسیت، میزان عضویت در انجمن‌ها و کانونهای مدرسه، تحصیلات والدین، مکان (روستایی یا شهری بودن) و استفاده از رسانه‌های جمعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

سجادی و واحدی یگانه (۱۳۹۶) در مطالعه ای به "بررسی و سنجش میزان آگاهی شهروندان سنندج از حقوق شهروندی" پرداخته اند. حجم نمونه این تحقیق از طریق فرمول کوکران، ۳۸۳ نفر محاسبه شد که برای جلوگیری از اشتباهات احتمالی و نیز دستیابی به نتایج دقیق تر به ۴۰۰ پرسشنامه افزایش پیدا کرد. روش جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه بوده است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که میزان آگاهی جامعه آماری شهر سنندج در زمینه حقوق شهروندی در سطح متوسط به پایین قرار دارد و شاخص مذکور (آگاهی شهروندان) با جنسیت، شغل و تحصیلات رابطه معناداری دارد.

متولیان و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی میزان دین داری و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه مازندران پرداخته اند. نتایج نشان داد بیشتر دانشجویان دین داری بالایی دارند و تفاوتی در دین داری پسران و دختران وجود ندارد؛ اما متأهلان از مجردها دین دارترند.

بابایی و صالحی (۱۴۰۴) در مطالعه ای به بررسی شناسایی شاخصه ها، چالش ها و راهکارهای دین داری در میان جوانان پرداخته اند. جامعه آماری ۲۶ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فرهنگیان استان کردستان بود. نتایج پژوهش نشان داد چالش های موجود در مسیر دین داری چند بعدی اند و هم از محیط افراد و شرایط تربیتی و آموزشی سرچشمه می گیرند و هم تحت تأثیر نگرش و درونیات افرادند.

کوشا و اسماعیلی (۱۴۰۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر فرهنگ دانشگاهی بر دین داری دانشجویان پرداخته اند. بر اساس نتایج تحقیق می توان گفت تغییرات صورت گرفته در دین داری دانشجویان بیش از آنکه حاصل استدلال های فلسفی و الهیاتی منطقی و عقلانی دانشجویان باشد، حاصل فرایند معاشرت های اجتماعی در انجمن های علمی، خوابگاه های دانشجویی و تشکل های دانشجویی است.

کاظمی و حسینی باقری (۱۴۰۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی و فرهنگ شهروندی پرداخته اند. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان بود که تعداد ۳۵۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی و فرهنگ شهروندی آنان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

زمبیللاس و لوکایدیس^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان روابط در حال ظهور بین آموزش دینی و آموزش شهروندی در قبرس انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد رابطه منفی بین آموزش و پرورش دینی و آموزش شهروندی وجود دارد. اینگلهارت^۲ (۲۰۱۸) در پژوهش تطبیقی نشان داد که سکولاریزاسیون و دین داری در کشورهای مختلف تأثیرات متفاوتی بر آگاهی شهروندی دارند.

اینگلهارت (۲۰۲۱) در بررسی داده های (۲۰۱۷-۲۰۲۰) نشان داد که باورهای دینی با ارزش های شهروندی در کشورهای در حال توسعه هنوز رابطه معناداری دارند.

^۱ Zembylas & Loukaidis

^۲ Inglehart



اکسوی و ورتز^۱ (۲۰۲۴) با تحلیل داده‌های طولی دو پنل بریتانیایی نشان دادند مشارکت دینی با اعتماد اجتماعی، داوطلب‌بودن و رفتار تعاونی رابطه مثبت دارد. این یافته نظریه لسنکی درباره بعد مشارکتی دین را تأیید می‌کند.

تاتالا و همکاران^۲ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای بر ۵۳۵ جوان بزرگسال نشان دادند که ابعاد شخصی دین‌داری با مشارکت مدنی رابطه میانجی دارد.

وارور^۳ (۲۰۲۴) در بررسی نسل جوان اندونزی با رویکرد توصیفی-همبستگی نشان داد همبستگی مثبت معنادار بین دین‌داری و یکپارچگی اجتماعی (مؤلفه‌ای از شهروندی مسئولانه) را در میان نسل جوان وجود دارد.

لیم و ویتز^۴ (۲۰۲۴) در پژوهشی طولی با داده‌های پانل ملی مطالعه جوانان و دین نشان دادند که دین‌داری دوران جوانی بر داوطلب‌بودن در بزرگسالی تأثیر معنادار دارد. این یافته‌ها از اهمیت بررسی تعامل دین‌داری و شهروندی در میان دانشجویان حکایت می‌کند.

لین و همکاران^۵ (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای بر ۳۰۷ دانشجوی دانشگاهی نشان دادند که عوامل شخصی-نهادی از جمله باورهای ارزشی، پیش‌بین معنادار مشارکت مدنی هستند.

مبانی نظری پژوهش

-نظریه دین داری

کنت، دین را یکی از عوامل اجماع و وحدت اجتماعی قلمداد می‌کند و آن را سنگ بنای سامان اجتماعی می‌داند. از نظر او، دین همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک به همدیگر پیوند می‌زند (کوزر، ۱۳۷۷، ص ۳۴). آگوست کنت سه بعد جداگانه برای دین برمی‌شمارد. بعد عقلی یا همان اعتقادات جزئی دین، بعد عاطفی که در عبادات و پرستش نمودار می‌گردد و بعد عملی که او آن را نظام می‌نامید. به رغم تصریح بعد عاطفی به عنوان یکی از ابعاد سه‌گانه دین، جایگاه و اهمیت آن در اندیشه کنت هم‌مطراز ابعاد عقلی و عملی نیست (آرون، ۱۳۷۰: ۱۱۶).

وبر^۶ از جمله جامعه‌شناسان کلاسیک است که بخش قابل توجهی از آثارش به دین اختصاص دارد. وبر از دو نوع دین شریعتی و رستگاری یاد می‌کند و از دو نوع خداشناسی زاهدانه و عارفانه سخن می‌گوید. وبر گونه‌شناسی دیگری از دین داری ارائه می‌کند که ملاک آن خصوصیات روانی در دین داری است. او بر اساس قابلیت‌های دین ورزی که در افراد متفاوت است، سه نوع دینداری خواص، عوام و دینداری رسمی را از هم تفکیک می‌کند. اما گونه‌شناسی سوم او از دین داری، مربوط به اثر شرایط و

^۱Aksoy, O., & Wiertz

^۲Tatala & et al

^۳Warwer

^۴Lim & Wiertz

^۵Lin & et al

^۶Comte

^۷Weber

موقعیت های اجتماعی است، بدین معنا که معتقد است: هر یک از اقشار و گروه های اجتماعی بر حسب پایگاه اجتماعی و اقتضائات موقعیتی شان از دینداری خاصی تبعیت می کنند (وبر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۹-۳۲۳).

دورکیم نظریه پردازی است که بیشترین تأثیر را بر جامعه شناسی دین داشته است. وی برای شناخت همه ادیان بشری به ابتدایی ترین و ساده ترین صورت دین توجه می کند (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۷۱). وی نه به ماهیت دین بلکه به کارکرد های آن می پردازد و نقش دین در انسجام اجتماعی جوامع سنتی را مهم قلمداد می کند (ریتزر، ۱۳۸۳: ۲۳). از نظر دورکیم، سرچشمه دین خود جامعه است. این جامعه است که بعضی چیزها را شرعی و برخی دیگر را کفرآمیز می شناسد. از نظر دورکیم، جامعه و دین از یک گوهرند، دین همان شیوه ای است که جامعه از طریق آن خودش را به صورت یک واقعیت اجتماعی غیرمادی متجلی می سازد (ریتزر، ۱۳۷۹، ص ۲۳). از دیدگاه دورکیم دین عامل انسجام و وحدت اجتماعی در بین افراد جامعه است. بنابراین بین دین داری و پدیده های اجتماعی می تواند رابطه وجود داشته باشد و دین می تواند میزان آگاهی و رفتار اعضای جامعه نسبت به پدیده های اجتماعی موجود از جمله حقوق شهروندی را تحت تأثیر قرار دهد.

دورکیم دین را شامل عقاید و مناسک و احساس می داند. از نظر او، عقاید از تصورات تشکیل می شوند و مناسک نیز جوه معینی از اعمال مشخص است. سرشت خاص موضوع مناسک دینی در اعتقاد است (شجاعی زند و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۶۵-۶۶). مطابق نظر دورکیم فرد در اثر شرکت در مناسک دینی دیندار می شود. عمل و مناسک دینی نخستین عنصر در وقوع دینداری است. نیروی دینی چیزی جز احساسی که از جمع در اعضای آن پدید می آید، نیست (دورکیم، ۱۳۸۳: ۳۱۴).

لنسکی^۴ معتقد است که دین عامل مؤثری است که اندیشه و عمل فرد را حتی در جوامع مدرن متأثر می سازد. او برای سنجش این تأثیرگذاری به مهم ترین جنبه های دینداری یعنی جهت گیری دینی و میزان درگیر بودن با گروه دینی می پردازد. به اعتقاد لنسکی درگیر بودن گروه دیندار، از دو جنبه مشارکتی و معاشرتی برخوردار است که می تواند کم یا زیاد باشد. او بعد مشارکتی را از لحاظ میزان حضور در برنامه ها و فعالیت های رسمی و جمعی نهاد دین و بعد معاشرتی را از حیث داشتن پیوندهای دوستانه و عاطفی هم کیشان و اعضای کلیسای خود مورد توجه قرار می دهد (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۸-۹).

رابرتسون^۵ معتقد است دین را نباید وسیله ای برای تکریم و نجات ارواح تلقی کرد بلکه باید آن را طریقه ای در صیانت و رفاه جامعه قلمداد نمود. وی مذهب را حافظ مقررات، نوامیس و نظم اخلاقی جامعه می داند و آنچه برای او مهم است عملکردهای دین است و نه باورداشتهای آنها. به ادعای رابرتسون دین دو کارکرد عمده دارد: یکی تنظیم کننده و دیگری برانگیزاننده. تنظیم کننده رفتار فردی برای خیر همگان و یا به سخن دیگر برای گروه و برانگیزاننده احساس مشترک جهت وحدت اجتماعی که از طریق مناسک مذهبی انجام می شود (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

^۱ Durkheim

^۲ Idea

^۳ Ritual

^۴ Lensky

^۵ Robertson Smith



کینگزلی دیویس^۱ معتقد است که تفاوت معناداری بین داوری و تبیین محقق با فهم کنشگر دینی مشاهده می شود. وی دین را عامل انسجام بخش در جامعه می ستاید و اضافه می کند که افراد از طریق شرکت در مراسم دینی، وابستگی شان را به اهداف گروهی افزایش می دهند. دیویس از تمایز بین امر مقدس و نامقدس استفاده کرده و آن را دارای خصلتی نمادین می داند (توسلی، ۱۳۸۰).

گلاک و استارک^۲ به منظور درک شیوه های مختلفی که مردم با توسل به آن خود را مذهبی تلقی می کنند چارچوبی چندبعدی از دین داری معرفی نمودند. به نظر گلاک و استارک همه ادیان جهانی به رغم آنکه در جزئیات بسیار متفاوت اند، دارای حوزه های کلی هستند که دین داری در آن ها جلوه گر می شود. این حوزه ها که می توان آن ها را به مثابه ابعاد اصلی دین داری در نظر گرفت عبارتند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، پیامدی (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۱۸-۳۷).

در پژوهش حاضر بر مبنای نظریه گلاک و استارک دین داری در ابعاد اعتقادی، پیامدی، مناسکی و تجربی مورد بررسی قرار گرفته است.

-نظریه شهروندی

دارندورف، شهروندی را موتور پویای حرکت گروههای اجتماعی می داند، چرا که اگر چه شهروندی یک موقعیت حقوقی برای همه افراد به شمار می رود اما در واقع یک امتیاز برای عده ای از افراد به شمار می رود که از آن برخوردارند (Dahrendrof, 1994: 14-18).

مارشال بر آن است که شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع هستند، داده می شود. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند (Friedman, 2002: 168). در واقع شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد (فالکس، ۱۳۸۱). به اعتقاد مارشال، اولاً شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است، ثانیاً کسانی که حائز این وضعیتند حقوق و تکالیف یکسان و برابری دارند (روشه، ۱۳۷۶: ۲۰۷-۲۰۸).

حقوق شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که مارشال آن را دارای سه حوزه اصلی حقوق مدنی (آزادیهای فردی، آزادی بیان، حق مالکیت، حق دادرسی و عدالت) که به حقوق فرد در قانون اطلاق می شود، حقوق سیاسی (حق رأی، حق شرکت در انتخابات، حق مشارکت سیاسی) و حقوق اجتماعی (حق بهره مندی از امنیت، رفاه اجتماعی و خدمات مدنی) می داند (ذوالفقاری و عشایری، ۱۴۰۱: ۲۷۶).

یکی از جدیدترین رویکردهای تئوریک در خصوص حقوق شهروندی اندیشه های پست مدرن است. در دوران پست مدرن ایده های جدیدی از حقوق شهروندی مطرح شد که در این راستا می توان به ایده های افراد ذیل توجه نمود. آنتونی گیدنز معتقد به

^۱ Kingsley Davis
^۲ - Glock & Stark

نقش مبارزات اجتماعی در دسترس سی به حقوق شهروندی است و رابرت دال وجود ساختارهای دموکراتیک را برای رفع حقوق شهروندان ضروری می داند (فیلیوجرگ، ۱۳۸۱: ۶). از اندیشمندان دیگر پست مدرن در زمینه حقوق شهروندی برایان اس ترنر است. ترنر حقوق شهروندی را مجموعه ای از حقوق قانونی و رسمی می داند که برای یک جامعه معین تعریف شده است و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می شود (هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰). به عقیده ترنر، شهروندی بر دسترس سی افراد و گروهها به منابع کمیاب در جامعه نظارت دارد. این منابع شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع فرهنگی چون آموزش و منابع سیاسی چون آزادی بیان، مذهب و عقیده است (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۷). ترنر شهروندی را شامل دو فرایند می داند: ۱- فرایند برخورداری ۲- فرایند محرومیت. فرایند برخورداری از طریق بازتخصیص منابع، موجب دستیابی شهروندان به منابع و امکانات جامعه می گردد و فرایند محرومیت از طریق ساخت هویت مشترک، دیگران را از مزایای شهروندی محروم می سازد (ترنر، ۲۰۰۸: ۴۸).

تالکوت پارسونز شهروندی را نتیجه ظهور جامعه سرمایه داری صنعتی و تغییراتی که در این جوامع رخ داده است، می داند. مثلاً شهری شدن و عقلانیت بستر مناسبی را برای این پدیده به وجود آورده است موی با مبنا قرار دادن متغیرهای الگویی عام گرای و جامعه مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری از شهروندی به عنوان کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام عرضه می کند (ذوالفقاری و عشایری، ۱۴۰۱: ۲۷۸).

از نظر پارسونز شهروندی به معنی برخورداری همه اقشار و گروههای اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. بنابراین، آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت های مناسب و بازتولید ارزش های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. اهمیت ویژه ای که پارسونز به شهروندی می داد ناشی از این واقعیت بود که او تصور می کرد در جوامع دموکراتیک، شهروندی به معیار اصلی همبستگی ملی تبدیل می شود. وی در پی آن بود که خصلت پلورالیستی جامعه آمریکایی را که مبتنی بر تفاوت های مذهبی، قومیتی، نژادی و ... بود به یک هدف و هویت مشترک ملی بدل نماید و شهروندی عامل اصلی این وحدت و همبستگی بود. او از حق رأی، نامزدی مقام های انتخابی، حق شرکت در احزاب و مشارکت سیاسی به عنوان حقوق شهروندی دفاع می کند (نوابخش، ۱۳۸۵: ۲۲).

آلن سیزر و وان هبرت (۲۰۰۵) در تحلیل ابعاد شهروندی بیان می کنند که شهروندی دارای ۴ بعد است: بعد مدنی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی-اقتصادی، بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی. بعد مدنی شهروندی به شیوه زندگی شهروندان که معمولاً در راستای اهداف آزادمنشانه جامعه است، اشاره دارد (به نقل از فالکس، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

ژانوسکی (۱۹۹۸) شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت-ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی به طور کلی چهار نوع حقوق شهروندی را از هم متمایز می کند: حقوق قانونی شامل حق آزادی بیان، آزادی مذهب، حقوق مالکیت و خدمات... -حقوق سیاسی شامل: حق رأی، حق تشکیل حزب سیاسی، حق اعتراض، جنبش



و ...-حقوق اجتماعی شامل حق آموزش، مستمری، غرامت بیکاری و ...-حقوق مشارکت شامل حقوق مداخله در بازار کار، امنیت شغلی، خدمات ایجاد شغل و ... (ژانوسکی، ۱۹۹۸: ۱۶۷).

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی:

بین دین داری و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

بین ابعاد دین داری (اعتقادی، پیامدی، عاطفی، مناسکی) و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

بین دین داری و ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی (مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جنسیتی) رابطه وجود دارد.

روش شناسی

این پژوهش با روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ (مهر تا بهمن ۱۴۰۱) معادل ۳۸۰۰ نفر بوده اند که با روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران، ۳۰۷ نفر از آنها مورد مطالعه قرار گرفتند. داده های مورد استفاده پس از جمع آوری و تدوین، به کمک نرم افزار آماری **SPSS** تجزیه و تحلیل گردید و سپس به منظور تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی (توزیع فراوانی و درصد) و تکنیک های آمار تبیینی چون آزمون رگرسیون، ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

روایی و پایایی:

در پژوهش حاضر برای محاسبه اعتبار اندازه گیری از روش اعتبار صوری و محتوایی استفاده شده است. لذا به منظور اطمینان یافتن از این که، آیا ابزار پرسشنامه همان چیزی را می سنجد که مورد انتظار است، سؤال های طراحی شده را اساتید مورد بررسی قرار دادند و اشکال های آن رفع گردید. در واقع این بدان معناست که به منظور اعتبار بخشی به پرسشنامه از "اعتبار صوری" استفاده شده است. سؤال ها به صورت طیف مربوط به متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، دین داری جمعاً ۴۷ سؤال می باشد. به منظور سنجش پایایی سؤال های پرسشنامه از روش "ضریب آلفای کرونباخ" استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مربوط به متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، دین داری از طریق نرم افزار **SPSS** محاسبه گردید. نتایج گویای آن بود که ضریب آلفای کرونباخ برای طیف های آگاهی از حقوق شهروندی (با ۲۱ گویه) ۰/۸۸۰، دین داری (با ۲۶ گویه) ۰/۹۰۶ بوده است. با توجه به مقادیر محاسبه شده آلفای کرونباخ، گویه ها از قابلیت اعتماد لازم برخوردار بوده و در پرسشنامه نهایی از این سؤالات استفاده گردید.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش:

الف: حقوق شهروندی

حقوق شهروندی به معنای مجموعه ای از حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی است که شهروند از آن برخوردار می شود. منظور از میزان آگاهی از حقوق شهروندی این است که افراد در ذهن خود در مورد حقوق شهروندی چه چیزهایی می دانند و این دانسته ها چقدر با واقعیت تطابق دارد.

حقوق شهروندی: حقوق شهروندی، عضویت شهروند در محدوده حاکمیت دولت ملی با تأکید بر حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی هر شهروند همراه است. چنین حقوقی را مجموعه حقوق شهروندی گویند. مارشال شهروندی را به سه عنصر مدنی، سیاسی و اجتماعی تحلیل می کند که از جمله حقوقی است که شهروند در رابطه با دولت دارد (سالاری و صفوی سهی، ۱۳۹۶: ۱۱۸). متغیر آگاهی از حقوق شهروندی، در قالب مؤلفه های حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی، حقوق فرهنگی و حقوق جنسیتی مورد سنجش قرار گرفته است. این متغیر به صورت طیف لیکرت با پنج گزینه برای پاسخ دهی به آن سنجیده شده است.

حقوق اجتماعی: به عضویت کامل در عرصه اجتماعی جامعه تعبیر شده است و شامل: حق تشکیل سازمان، انجمن و سندیکا، حق برخورداری از بهداشت عمومی، حق برخورداری از آموزش فراگیر و عمومی، حق برخورداری از حمایت قانون. حقوق مدنی: بر آزادی های فردی تأکید دارد. آزادی بیان، اندیشه، عقیده و ... از جمله حقوق مدنی به شمار می روند. حقوق سیاسی: حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای دموکراتیک حکومت ضروری است و موارد زیر را در برمی گیرد: حق رأی و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت های سیاسی.

حقوق فرهنگی: حقوق فرهنگی شهروندی بر ملاحظه و در نظر گرفتن تنوع، تعدد فرهنگی و احترام به رسمیت شناختن ارزش ها و فرهنگ های دیگر در سطح اجتماع تأکید دارد (نیازی، ۱۳۹۵: ۲۱). حقوق قومیت های مختلف در جامعه و آزادی در ارائه فعالیت های فرهنگی و باورهای مربوط به خود است. حق دست یابی به فرهنگ و زبان اکثریت، احترام به تفاوت های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش، حق داشتن سنت ها و شیوه های زندگی متفاوت، حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت ها از مهم ترین حقوق فرهنگی به شمار می رود.

حقوق جنسیتی: بر محور حذف هر گونه تبعیض علیه زنان، مساوی بودن در برابر قانون و حمایت از زنان و مشارکت آنان در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... مطرح شده است.

ب: دین داری

دین داری عبارت است از میزان علاقه و احترامی که پیروان یک دین برای آن قایل هستند (سراج زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵). همچنین مجموع شناختها، احساسها و تمایلات نسبتاً پایدار و مثبت نسبت به دین که در وضعیت عادی، طبیعی، اجتماعی و روانی در فرد وجود داشته باشد و در کنش های وی نسبت به نیروی جذاب (خداوند)، خود، جامعه و تاریخ به ظهور برسد (ربانی و



گنجی، ۱۳۸۷، ص ۴۳). و یا در تعریفی ساده تر می توان گفت که دین داری عبارت است از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی است، به گونه ای که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۰). از نظر شجاعی زند دین در کامل ترین صورت آن، متضمن پاسخ گویی به تمامی نیازها و ابعاد وجودی انسان است. از نظر وی قابل دفاع ترین الگوی مطرح شده از ابعاد دین اسلام، الگوی پنج بعدی اعتقادات، ایمانیات، عبادیات، اخلاقیات و شرعیات است (شجاعی زند و همکاران، ۱۳۸۵: ۵). دین داری در این پژوهش با شاخص های پیامدی، مناسکی، اعتقادی و عاطفی بررسی شده است. برای سنجش هر گویه سطح سنجش رتبه ای لحاظ شده و به صورت طیف لیکرت سنجیده شده است.

بعد پیامدی: به پیامد و آثاری که اعتقادات دینی در زندگی اجتماعی افراد می گذارد معطوف است. بر رفتار روزمره و غیر دینی افراد ناظر است. برای عملیاتی کردن این بعد از شش گویه استفاده گردید.

بعد مناسکی: عبارت است از آداب و رسوم و مراسمی که هر دین از پیروان خود انتظار دارد که آن ها را به جا آورند. بعد مناسکی خود به دو دسته مناسک مثل نماز، روزه و پرستش و دعا تقسیم می شود. شامل شعائر یا مناسک (رفتارهای دینی) و دعاهاست. شرکت در نماز جماعت، شرکت در مراسم مذهبی. به منظور سنجش این بعد از هفت گویه استفاده شده است.

بعد اعتقادی: باورهایی که پیروان دین به آن اعتقاد دارند. شامل اعتقاد به خدا، زندگی پس از مرگ، خواندن نمازهای روزانه، گرفتن روزه، و ... که انتظار می رود پیروان هر دین آن ها را به جا آورند. برای عملیاتی کردن این بعد از هفت گویه استفاده گردید. بعد عاطفی: به جنبه معنوی و فردی دین گفته می شود. موقعیت های ایجاد شده ای که فرد، خود را در مقابل یک نیروی برتر می بیند. برای سنجش این بعد از شش گویه استفاده گردید.

یافته های پژوهش

الف: یافته های توصیفی

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان را بر حسب متغیرهای تحقیق نشان می دهد. یافته ها نشان می دهد از مجموع دانشجویان ۵۳/۱ درصد دختر و ۴۶/۹ درصد پسر می باشد. از لحاظ متغیر سن، ۵۰/۸ درصد از پاسخگویان در رده سنی ۱۸ تا ۲۴ سال، ۲۳/۵ درصد در رده سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، ۱۱/۴ درصد بین ۳۰ تا ۳۴ سال و ۱۴/۳ درصد بالای ۳۵ سال قرار گرفته اند. میانگین سن دانشجویان ۲۶ سال بود. ۶۲/۲ درصد مجرد و ۳۷/۸ درصد متأهل، ۵۰/۵ درصد شاغل و ۴۹/۵ درصد غیر شاغل بودند. همچنین ۸۱/۴ درصد دانشجویان ساکن شهر و ۱۸/۶ درصد ساکن روستا می باشند. بر اساس رشته تحصیلی ۴۳/۶ درصد دانشجویان رشته های علوم انسانی، ۱۸/۹ درصد رشته های علوم پایه، ۳۰/۰ درصد رشته های فنی-مهندسی، ۵/۲ درصد رشته های هنر و ۲/۳ درصد رشته های کشاورزی بودند.

ب: یافته های استنباطی

چنان که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود، میزان ضریب همبستگی بین دین داری و آگاهی از حقوق مدنی ۰/۰۰۸ بوده که در سطح ۰/۸۸۹ معنی دار نمی باشد. بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید می شود. بنابراین بین دین داری و میزان آگاهی از بعد مدنی حقوق شهروندی رابطه ای وجود ندارد. میزان ضریب همبستگی بین دین داری و آگاهی از حقوق سیاسی ۰/۰۸۹ بوده که در سطح ۰/۱۲۱ معنی دار نیست، بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید شده و می توان گفت بین دین داری و میزان آگاهی از بعد سیاسی حقوق شهروندی رابطه ای وجود ندارد. چنان که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود، میزان ضریب همبستگی بین دین داری و آگاهی از حقوق اجتماعی ۰/۰۷۶ بوده که در سطح ۰/۱۸۴ معنی دار نمی باشد. بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید می شود. بنابراین بین دین داری و میزان آگاهی از بعد اجتماعی حقوق شهروندی رابطه ای وجود ندارد. میزان ضریب همبستگی بین دین داری و آگاهی از حقوق فرهنگی ۰/۱۵۳ بوده که در سطح ۰/۰۰۵ معنی دار است، بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید شده و می توان گفت بین دین داری و میزان آگاهی از بعد فرهنگی حقوق شهروندی رابطه معنادار وجود دارد. میزان ضریب همبستگی بین دین داری و آگاهی از حقوق جنسیتی ۰/۰۳۵ بوده که در سطح ۰/۵۳۶ معنی دار نیست، بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید شده و می توان گفت بین دین داری و میزان آگاهی از بعد جنسیتی حقوق شهروندی رابطه ای وجود ندارد.

جدول ۳- آزمون رابطه بین دین داری و ابعاد حقوق شهروندی

Sig	t	F	بتا	B	اشتباه استاندارد	Adj.R ²	R ²	R	
۰/۸۸۹	۰/۱۴۰	۰/۰۲۰	۰/۰۰۸	۰/۰۴۲	۱۶/۱۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	آگاهی از حقوق مدنی
۰/۱۲۱	۱/۵۵	۲/۴۱۸	۰/۰۸۹	۰/۴۵۷	۱۶/۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۸۹	آگاهی از حقوق سیاسی
۰/۱۸۴	۱/۳۳	۱/۷۷۵	۰/۰۷۶	۰/۲۴۹	۱۶/۰۵۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۷۶	آگاهی از حقوق اجتماعی
۰/۰۰۵	۲/۷۰۳	۷/۳۰۹	۰/۱۵۳	۰/۶۶۲	۱۵/۹۱	۰/۰۲۰	۰/۰۲۳	۰/۱۵۳	آگاهی از حقوق فرهنگی
۰/۵۳۶	۰/۶۱۹	۰/۳۸۳	۰/۰۳۵	۰/۱۹۳	۱۶/۰۹۱	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۳۵	آگاهی از حقوق جنسیتی

در جدول شماره ۴ نتایج تحلیل رگرسیون میان دین داری و آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی مشاهده می شود. نتایج گویای آن است که دین داری رابطه نسبتاً ضعیفی با آگاهی از حقوق شهروندی دارد ($R = ۰/۰۹۷$). با توجه به مقدار $R^2 = ۰/۰۰۹$ دین داری تنها ۰/۰۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می کند که این میزان برای کل جامعه آماری ۰/۰۶ درصد می

باشد. مقدار ضریب بتا $Beta = 0/097$ گویای وجود رابطه مثبت و مستقیم میان دو متغیر است. مقدار $B = 0/112$ گویای آن است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (دین داری) $0/112$ واحد به متغیر وابسته (آگاهی از حقوق شهروندی) اضافه می شود. مقدار $T = 1/69$ و سطح معناداری $Sig = 0/050$ رابطه میان متغیر دین داری و آگاهی از حقوق شهروندی را معنادار می داند. بنابراین، فرضیه ما تأیید می گردد.

جدول ۴- ضریب همبستگی پیرسون میان دین داری و آگاهی از حقوق شهروندی

Sig	t	F	بتا	B	اشتباه استاندارد	Adj.R ²	R ²	R	
0/050	1/69	2/88	0/097	0/112	16/026	0/006	0/009	0/097	دین داری

چنان که در جدول شماره ۵ مشاهده می شود، میزان ضریب همبستگی بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد اعتقادی دین داری $0/115$ بوده که در سطح $0/044$ معنی دار است، بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید شده و می توان گفت بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و بعد اعتقادی دین داری رابطه معنادار وجود دارد. میزان ضریب همبستگی بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد پیامدی دین داری $0/033$ بوده که در سطح $0/566$ معنی دار نیست، بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید شده و می توان گفت بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد پیامدی دین داری رابطه ای وجود ندارد. میزان ضریب همبستگی بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد عاطفی دین داری $0/231$ بوده که در سطح $0/000$ معنی دار است، بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید شده و می توان گفت بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و بعد عاطفی دین داری رابطه معنادار وجود دارد. میزان ضریب همبستگی بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد مناسکی دین داری $0/030$ بوده که در سطح $0/601$ معنی دار نیست، بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید شده و می توان گفت بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد مناسکی دین داری رابطه ای وجود ندارد.

جدول ۵- آزمون رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد دین داری

Sig	t	F	بتا	B	اشتباه استاندارد	Adj.R ²	R ²	R	
0/044	2/027	4/109	0/115	0/265	13/84	0/010	0/013	0/115	بعد اعتقادی
0/566	-0/575	0/330	-0/033	-0/114	13/93	-0/002	0/001	0/033	بعد پیامدی
0/000	4/15	17/264	0/231	0/635	13/56	0/050	0/054	0/231	بعد عاطفی
0/601	-0/523	0/274	-0/030	-0/608	13/93	-0/002	0/001	0/030	بعد مناسکی



نتیجه گیری

حقوق شهروندی که مجموعه ای از حقوق عمومی و خصوصی را تشکیل می دهد، بیانگر حقوق ذاتی، فطری و طبیعی انسان ها در دل اجتماع است. این حقوق برخاسته از حیثیت انسانی و کرامت ذاتی بشر است و در حالت معمول، قابل سلب از شهروندان نیست و دولت ها همواره ملزم و مکلف به حفظ و رعایت این حقوق هستند.

نقش مهم دین در شکل گیری باورها، ارزش ها و در نهایت آگاهی انسان ها از حقوق شهروندی غیرقابل انکار است. از آنجا که هنوز دین داری بنا بر دیدگاه دورکیم عامل همبستگی اجتماعی است، شناخت و بررسی رابطه این دو مفهوم ضرورت دارد. دین در همه ادوار عنصر تشکیل دهنده شهروندی در جامعه بوده است. هر جامعه ای با توجه به زمینه های دینی و فرهنگی خود، نیاز به شهروندانی دارد تا بتوانند در چارچوب وظایف جامعه عمل کنند. به همین دلیل دین در شناخت شهروندان از وظایفشان نقش بسزایی داشته است. بدیهی است که برای تشکیل جامعه ای که ساختارهایی متناسب با ارزش های آن داشته باشد، توجه به ابعاد شهروندی افراد دارای اهمیت است.

این پژوهش با هدف بررسی رابطه دین داری و تأثیر آن بر آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس انجام گردید. در ابتدا پس از مطالعه مقدماتی، پیشینه تحقیقات در حوزه مورد نظر بررسی شدند. از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه برای جمع آوری داده ها بهره گرفته شد. جامعه آماری، تمام دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس را در برمی گرفت. با توجه به تنوع رشته ها و ناهمگنی جامعه آماری، از روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی ساده استفاده شده است. حجم نمونه نیز $n=307$ برآورد گردید. داده های گردآوری شده از نظر آماری برای آزمون فرضیه ها مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج زیر به دست آمد.

نتایج پژوهش نشان داد که سطح دین داری $16/3$ در صد افراد نمونه بالا، $68/7$ در صد متوسط و 15 در صد افراد سطح دین داری شان ضعیف بوده است.

بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی نشان داد که $12/1$ در صد از دانشجویان آگاهی کم، $77/5$ در صد آگاهی متوسط و $10/4$ درصد آگاهی بالایی داشتند.

به طور کلی یافته های پژوهش حاکی از آن است که دین داری و ابعاد مختلف آن به جز بعد پیامدی و مناسکی با آگاهی از حقوق شهروندی ارتباط معناداری دارد و رابطه ای مستقیم و مثبت بین آنها حاکم می باشد. بدین معنا که با افزایش بعد اعتقادی و عاطفی افراد، آگاهی آنان از حقوق شهروندی بیشتر می شود و بالعکس. بر این اساس می توان گفت ابعاد درونی دین داری (اعتقادی و عاطفی) قدرت پیش بینی بیشتری نسبت به ابعاد بیرونی (مناسکی و پیامدی) دارند. این یافته با رویکرد لנסکی و تمایز وی میان درگیری مشارکتی و معاشرتی در دین همخوانی دارد. در این زمینه نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق شیرعلیزاده و همکاران (۱۳۹۳) هماهنگ می باشد. از نتایج دیگر این تحقیق این است که از بین تمام ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی تنها بعد آگاهی از



حقوق فرهنگی با دین داری ارتباط معناداری دارد. بنابراین تأیید رابطه دین داری با آگاهی از حقوق فرهنگی به تنهایی، نشان‌دهنده تقاطع مهم بین هویت دینی و حوزه‌های فرهنگی شهروندی است. این رابطه از منظر نظریه دورکیم قابل تفسیر است: دین عامل انسجام فرهنگی است. وارور (۲۰۲۴) و اکسوی و ویتز (۲۰۲۴) نیز این ارتباط انتخابی دین داری با حوزه‌های خاص شهروندی را تأیید می‌کنند.

به منظور افزایش میزان آگاهی دانشجویان، برگزاری کلاسهای آموزشی در زمینه حقوق و وظایف شهروندی می‌تواند مؤثر باشد. ترغیب دانشجویان برای فراگیری حقوق شهروندی باعث افزایش مشارکت آنان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و طراوت زندگی شهری می‌شود. همچنین اجرای طرح‌های مشارکتی برای حضور بیشتر دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی دانشگاهی، نقشی مؤثر در بالا بردن آگاهی آنان از حقوق شهروندی دارد. لذا توجه نهادهای آموزشی (دانشگاه‌ها، مدارس) به استفاده از اصول حقوق شهروندی در کتب، مقالات و کلاس‌های درس، همچنین آموزش حقوق شهروندی در دوران کودکی و نوجوانی به خصوص توجه به این امر در محتوای دروس مدارس ضروری به نظر می‌رسد.

گسترش اصول حقوق شهروندی در تمامی مشاغل اجتماعی که این مهم از طریق اقدامات سازمان‌های اجتماعی (صدا و سیما، آموزش و پرورش، شهرداری، مؤسسات غیردولتی، شورای شهر و...) قابل دسترسی خواهد بود.



فهرست منابع؛

۱. آرون، ریمون (۱۳۷۰). مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
۲. بابایی، مظهر، صالحی، پرستو (۱۴۰۴). شناسایی شاخصه ها، چالش ها و راهکارهای دین داری در جامعه امروز در میان جوانان از منظر دانشجویان، جامعه پژوهش فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۶(۴)، ۱-۳۲.
۳. بهرامی، ولی، تاج مزینانی، علی اکبر، امیری، حسین (۱۳۹۶). تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش آموزان (مورد مطالعه: شهر ستان پلدختر)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۱، تابستان، صص ۸۱-۱۱۶.
۴. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). جامعه شناسی دینی، تهران: نشر سخن.
۵. حشمت یغمایی، محمد تقی (۱۳۸۰). دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۶. حقیقتیان، منصور، عزیزی، ابوطالب، محمودیان، حمید (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انواع دینداری جوانان (نمونه مورد مطالعه: جوانان شهر شیراز)، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۹(۴)، ۳۱-۲۸.
۷. دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
۸. ذوالفقاری، اکبر، عشایری، طاها (۱۴۰۱). فراتحلیل عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی در بین ایرانیان، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۲(۸۶)، ۲۶۹-۳۱۲.
۹. ربانی، علی، گنجی، محمد (۱۳۸۷). تحلیلی بر رابطه دینداری و سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه علوم اجتماعی، ۴۱، ۳۵-۶۵.
۱۰. روشه، گی (۱۳۷۶). جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر تبیان.
۱۱. ریتزر، جورج (۱۳۷۹). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۲. ریتزر، جورج (۱۳۸۳). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۳. سالاری، محمد، صفوی سهی، مریم (۱۳۹۶). نقش نهاد شورای اسلامی شهر در اعتلای حقوق شهروندی، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۵.
۱۴. سجادی، ژیلدا، واحدی یگانه، فرید (۱۳۹۶). بررسی و سنجش میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری با هدف دستیابی به زندگی شایسته (مطالعه موردی: شهر سنندج). فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، دوره نهم، شماره ۳۴، زمستان، صص ۱-۲۲.
۱۵. سراج زاده، سید حسن (۱۳۷۷). نگرش ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهران و دلالت های آن بر نظریه سکولار شدن، نمایه پژوهش، شماره ۷ و ۸.
۱۶. شجاعی زند، علیرضا، شریعتی مزینانی، سارا، حبیب زاده خطبه سرا، رامین (۱۳۸۵). بررسی وضعیت دین داری در بین دانشجویان، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۶، ۲(۷)، ۵۵-۸۲.
۱۷. شجاعی زند، علی رضا (۱۴۰۴). بازبایی و بازخوانی مطالعات دین داری در ایران؛ پیمایش های ضمنی دین داری، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، ۱۶(۲)، ۱۵۳-۱۸۳.
۱۸. شیانی، ملیحه (۱۳۸۱). شهروندی و رفاه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۴.
۱۹. شیرعلیزاده، حسن، عظیمی، لیلا، رسول زاده اقدم، صمد (۱۳۹۳). بررسی جامعه شناختی رابطه بین دینداری با آشنایی به حقوق شهروندی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال)، مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۱(۴۱)، ۵۵-۶۶.
۲۰. فالکس، کیث (۱۳۸۴). حقوق شهروندی، ترجمه عبدالعزیز ویسی، تهران: انتشارات سیروان.
۲۱. فالکس، کیث (۱۳۸۱). شهروندی، مترجم: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
۲۲. فتحی، مر ضیه، مطلق، معصومه (۱۳۹۵). بررسی جامعه شناختی آگاهی از حقوق شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان، فصلنامه پژوهش های جامعه شناختی، ۱۰(۱)، ۱-۱۱.
۲۳. فیلیو جرج، نبست (۱۳۸۱). جامعه مدنی از چند نگاه، رضا استاد رحیمی، همشهری.
۲۴. کوشا، حامد، اسماعیلی، محمدجواد (۱۴۰۴). فرهنگ دانشگاهی و تغییرات دین داری دانشجویان: یک مطالعه کیفی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۸(۲)، ۱۴۷-۱۸۶.
۲۵. کوزر، لوئیس (۱۳۷۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۲۶. متولیان، سیدمهدی، حسینی شیروانی، سیدمهدی، نوری، زهرا (۱۳۹۸). رابطه جنسیت، وضعیت تأهل و شیوه اعمال قدرت در خانواده با دین داری دانشجویان دانشگاه مازندران، جامعه شناسی کاربردی، تابستان، ۳۰، ۲(۷۴)، ۲۹-۴۶.



۲۷. میرفردی، اصغر، ولی نژاد، عبدالله (۱۳۹۵). مطالعه نقش تفاوت های جنسیتی در ابعاد دین داری دانشجویان، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، پاییز و زمستان، ۴(۱۷)، ۹۰-۷۳.
۲۸. نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵). بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه شناسی، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی، ۲(۱)، ۱-۱۲.
۲۹. نیازی، محسن (۱۳۹۵). جامعه شناسی شهروندی، تهران: انتشارات سخنوران.
۳۰. ویر، ماکس (۱۳۸۲). دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.
۱. -Aksoy, O, &Wertz, D (۲۰۲۴). The impact of religious involvement on trust, volunteering, and perceived cooperativeness: Evidence from two British panels. *European Sociological Review* ۴۰(۱), ۱۴۳-۱۵۹. <https://doi.org/10.1093/esr/jcad024>
 ۲. -Dahrendorf, R (۱۹۹۴). Citizenship and Beyond: Beyond: The social Dynamics of an Idea. In BS Turner and P.Hamilton(ed) *Citizenship Critical Concept*, London:Routledge.
 ۳. -Friedmann, J (۲۰۰۲). *The Prospect of Cities*. Minneapolis: University of Minnesota Press. P ۱۶۸.
 ۴. -Glock, C.Y., & Stark, R (۱۹۶۵). *Religion and Society in Tension*, Chicago: Rand McNally and Company Translated by R.Nice, Harvard University Press.
 ۵. -Inglehart, R (۲۰۱۸). *Cultural Evolution: People's Motivations Are Changing, and Reshaping the World*. Cambridge: Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108880930>
 ۶. Inglehart, R (۲۰۲۱). *Religion's Sudden Decline: What's Causing it, and What Comes Next?*. Oxford: Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/os0/9780197547045.001.0001>
 ۷. -Janoski, T (۱۹۹۸). *Citizenship and Civil Society*, Cambridge: Cambridge University Press.
 ۸. -Lim, C., &Wertz, D (۲۰۲۴). Civic lessons that last? Religiosity and volunteering on the way to adulthood. *American Sociological Review* ۸۹(۴), ۶۸۴-۷۰۷. <https://doi.org/10.1177/0031224241258791>
 ۹. -Lin, Y., Aigerim D, Ghayas, S., Malik, M, & Nhazi, S. (۲۰۲۵). Personal and institutional factors as determinants of civic engagement among university students. *Frontiers in Psychology*, ۱۶, ۱۵۱۷۳۱۹. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1517319>
 ۱۰. -Turner, BS (۲۰۰۸). *Rights and Virtues: Political Essays on Citizenship and Social Justice*. Oxford: Bardwell Press.
 ۱۱. -Tatala, M, Klarnut, R, & Tinoszyk-Tonczak, C. (۲۰۲۴). Personal aspects of religiosity and civic engagement: The mediating role of prayer. *Religions*, ۱۵(۲), ۱۹۲. <https://doi.org/10.3390/rel15020192>
 ۱۲. -Wirver, F. (۲۰۲۴). The relationship between the religiosity and integrity of young generations in Papua, Indonesia. *Religions*, ۱۵(۷), ۸۳۹. <https://doi.org/10.3390/rel15070839>
 ۱۳. -Zenbylas, M, & Loukaidis, L. (۲۰۱۸). Energizing relationships between religious education and citizenship education: Teachers perceptions and political dilemmas in Cyprus. *British Journal of Religious Education*, ۴۰(۲), ۱۶۹-۱۸۱.